



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۲/۰۲

رادیوی آزادی - با تبصره م. نظام

۷۰۴۱ مورد خشونت با زنان در سال ۱۳۹۸ ثبت شده است'



وزارت امور زنان افغانستان می گوید ۷۰۴۱ مورد خشونت با زنان در سال ۱۳۹۸ ثبت شده است. سپوژمی وردک، معین این وزارت روز یکشنبه (۱۳ دلو) در یک جلسه خبری در کابل گفت که ۴۰۱۰ مورد این خشونت ها برای بررسی و رسیدگی به نهاد های عدلی و قضایی فرستاده شده اند. خانم سپوژمی گفت: "با تأسف که در سال ۱۳۹۸ قضایای دل خراش و جدی رخ داده است که بر بنیاد احصائیه های ما، ۵۱ درصد این رویداد ها خشونت قضایای شدید بوده اند." براساس گزارش این وزارت قتل، تجاوز جنسی، خودکشی، محاکمه صحرایی از موارد جدی خشونت با زنان بوده است. بر بنیاد یافته های تازه وزارت امور زنان، امسال موارد خشونت با زنان در مقایسه به آمار سال گذشته، یک درصد افزایش را نشان می دهد. وزارت امور زنان گفت بیشتر این خشونت ها در برابر زنان در ولایت های غور، بادغیس، فاریاب، جوزجان، تخار، ننگرهار و کابل رخ داده اند. افزایش خشونت در برابر زنان نگرانی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را نیز برانگیخته است. شکرالله مشکور، سخنگوی این کمیسیون به رادیو آزادی گفت که قضایایی ثبت شده در این کمیسیون ۸ درصد افزایش خشونت در برابر زنان را نشان می دهد.

او افزود: "بیشتر مردم از این خشونت ها آگاهی دارند و می خواهند این خشونت ها در برابر زنان را به این کمیسیون گزارش کنند."

وزارت زنان از شکنجه لعل بی بی از سوی شوهرش که از دلخراش ترین موارد خشونت امسال در برابر زنان گفته شده، به عنوان یکی از مثال های خشونت در برابر زنان یاد کرد.

این رویداد در ۲۰ جدی در ولایت فاریاب رخ داد و این زن هنوز هم در شفاخانه بستری است. وزارت امور زنان می گوید شماری از افراد در پیوند به این قضیه بازداشت شده اند و به این قضیه به گونه جدی رسیدگی خواهد شد.

تبصره م. نظام: موضوع خشونت بر زنان در افغانستان در حال جنگ و از هم گسیختگی دهه های متمادی چیزی نیست که در پهلوی افسوس و تأثرات، موجبات تعجب مردم ما یا جامعه بین المللی را بار آورد، ولی این معضله حاد و غیر انسانی در افغانستان چرا در حال صعود همیشگی بوده و به چه دلیل هیچ عدالت و بازخواست جدی و مؤثری را برای بهبودی و تخفیف آن در جامعه نمی یابیم؟ مگر چگونه اینهمه شکنجه و خشونت بر زن و دختر مظلوم و معصوم افغان در هر و جب این کشور به گونه متزاید صورت میگیرد و بازخواست و مجازاتی را از جانب اولیای امور دولت و مأمورین موظف آن در هر منطقه ای سراغ نمی نماییم؟ آیا شوهران و فامیل های آنان که اکثر این جنایات خشونت آمیز را مرتکب میگردند و مسئولین حکومتی و مؤسسات خیریه هم تا حدی از آن آگاه می گردند، در قبال چنین حرکات ظالمانه ای به حکم قانون و وظایف محوله نمیتوانند بازخواست گردیده، مورد تعقیب عدلی و قضایی قرار گیرند؟!

در حقیقت مظلوم جسمی ای که بر هزاران زن و دختر افغان به دلیل اغماض و عدم وجود عدالت در هر قسمتی از افغانستان صورت میگیرد، با جرایمی مانند قتل، جرح و هر نوع تشدد فیزیکی و جسمی و روحی ای که از نگاه قانون جرم شناخته میشود، میتواند به اساس مواد «**قانون منع خشونت بر زنان**» و متون مندرجه آن در چنین مواردی مورد بازخواست قرار گرفته و مراحل مختلفه جلب متهم، محکمه و مجازات را احتواء نماید.

گرچه خشونت ها بر زنان و دختران از مجرای بیرون حلقه خانواده ها هم به وفرت صورت میگیرد مانند تجاوزات، شکنجه و امثال آن که در چنین مواردی هم قانون کاملاً صراحت دارد. ولی در افغانستان یکی از دلایل ازدیاد روز افزون خشونت بر زنان، مسامحه و غفلت و در مجموع همین عدم اجرای عدالت اجتماعی و متون قانون است که چون ترس از مجازات موجود نیست تا درس عبرتی برای مرتکبین گردد، جسارت و جرأت ارتکاب چنین جنایات بشری را بر کتله محروم و ستمدیده اجتماع افغانی هر سال بیشتر می نماید. البته محاکم صحرایی و مجازات طالبان مصیبت دیگری بر زن محروم و مظلوم افغان است که مصیبت دیگری محسوب میگردد.

پایان